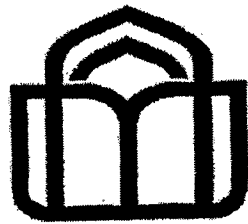


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۳۹۲۹

ش. ۱۵



دانشگاه شاهرود

دانشگاه شاهد (دانشکده هنر)

## پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته نقاشی

موضوع: بررسی جنبشهای هنری معاصر در نقاشی ایران

استاد راهنمای پروژه نظری: مهدی حسینی

استاد راهنمای پروژه عملی: محسن مرائی

دانشجو: نعمت مردانی اقدم

۱۳۸۹/۴/۲۸

۱۳۸۴

دفتر اطلاعات مدرک علمی بزرگ  
تسبیح بزرگ

۱۳۹۲۶۰



دانشگاه شاهرود  
دانشکده هنر

## صور تجلسه دفاع

رساله نظری بررسی جنبش های هنر در فضای حاصر ایران  
پروژه عملی پنجه ، خورشید و گل نیلوفر

مربوط به خانم / آقای نعمت مردانی اقدم دانشجوی رشته نقاشی

در تاریخ ۱۳۴۰/۴/۱۷ برگزار و نمره رساله نظری ۱۵,۳۳

پروژه عملی ۱۷,۲۲ و در مجموع ۱۶,۷۲ اعلام گردید.

## اعضاء هیأت داوران:

امضاء

۱- مهدی حسینی (استاد راهنما)

امضاء

۲- غن مردانی (استاد راهنما)

امضاء

۳- اصغر کفیان مقدم (داور مدعو)

امضاء

۴- دکتر امیر کاریمیان (داور داخلی)

امضاء

۵- مرتضی آساری (مانند تصدیقات کتبی)

مدیر گروه رشته: نقاشی

نام و نام خانوادگی: مرتضی آساری

امضاء:

تقديم به اهل دانش و ...

## چکیده

در این پروژه سعی شده است تا حد امکان در ابتدا به نوع نگاهها و شناخت هنر در ایران پرداخته شود و در عصر کنونی چگونه اتفاقات و برخوردها و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی باعث تغییر و دگرگونی هنر شد و نتیجه آن چگونه بوده است.

لذا تا حد زیادی مباحث نظری از دوره قاجار تا قبل از انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و مستندات متعددی گنجانده شده است که همگی نتیجتاً باعث اثبات حضور هنر مدرن و تلفیق آن با هنر ایرانی و اسلامی بوده است و زندگی مدرن باعث هنری جدید و پیدایش نقاشی معاصر ما می‌باشد.

موضوع: مقاله

بررسی جنبش‌های هنری معاصر در نقاشی ایران

دانشجو: نعمت مردانی اقدم

استاد راهنما: مهدی حسینی

امضاء استاد راهنما:

سال ۱۳۸۲

## واژگان کلیدی:

هنر معاصر، هنر مدرن، هنرمندان مدرن، نقاشی مدرن، گرافیک، چاپ، سینماتوگراف، قهوه‌خانه، سقاخانه، مکاتب مدرن، نقد هنری، کلاسیک، تاریخ معاصر، پدیده‌های جدید، عکاسی، موسیقی

## فهرست مطالب:

مقدمه.....	۱
فصل اول: معنای هنر.....	۳
بخش اول:.....	۳
بخش دوم: هنر اصیل.....	۸
فصل دوم: تاریخ معاصر و مکاتب نقاشی در ایران.....	۱۳
بخش اول: تاریخ هنر معاصر (اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی).....	۱۳
بخش دوم: ورود مظاهر تمدن جدید به ایران در عهد ناصری.....	۲۳
بخش سوم: انتشار روزنامه یکی از مهم‌ترین تحولات دوره قاجاریه.....	۲۵
بخش چهارم: ظهور هنر گرافیک و تأثیرات اساسی بر هنر نقاشی.....	۲۷
بخش پنجم: پیدایش مدارس هنری.....	۳۳
بخش ششم: حضور مکتب کلاسیک غرب در ایران.....	۳۵
بخش هفتم: نقاشان مذهبی در دوره قاجاریه (نقاشی پشت بدل).....	۳۶
۱. تکنیک نقاشی پشت بدل.....	۳۹
۲. نقاشی پشت شیشه.....	۴۲
فصل سوم: نقاشی قهوه‌خانه.....	۴۵
بخش اول: نقاشی قهوه‌خانه.....	۴۵

- بخش دوم: برخورد حکومت با مکتب قهوه‌خانه ..... ۵۸
- فصل چهارم: اهمیت و ظهور نقد در نقاشی ایران ..... ۶۹
- بخش اول: نقد در نقاشی ایران ..... ۶۹
- بخش دوم: نقاشی ایران بعد از جنگ جهانی ..... ۷۲
- فصل پنجم: بررسی نقاشی نوین (مدرن) ایران ..... ۷۷
- بخش اول: نقاشی و نقاشان ایران پس از سال ۱۳۲۰ ..... ۷۷
- جلیل ضیاء پور ..... ۸۳
- جواد حمیدی ..... ۸۵
- حسین کاظمی ..... ۸۶
- عبدالله عامرالحسینی ..... ۸۶
- احمد اسفندیاری ..... ۸۷
- محمود جوادی پور ..... ۸۸
- مهدی ویشکایی ..... ۸۹
- منوچهر یکتایی ..... ۹۰
- بخش دوم: مکتب سقاخانه ..... ۹۱
- بخش سوم: انتخاب عنوان سقاخانه ..... ۹۶
- بخش چهارم: نخستین نمایندگان مکتب سقاخانه ..... ۹۹



۱۰۱	.....	حسین کاظمی
۱۰۲	.....	محسن وزیری
۱۰۳	.....	ناصر اویسی
۱۰۴	.....	صادق تبریزی
۱۰۶	.....	ژازه طباطبایی
۱۰۶	.....	حسین زنده‌رودی
۱۰۷	.....	منصور قندریز
۱۰۷	.....	پرویز تناولی
۱۰۸	.....	محمود جوادی‌پور
۱۱۰	.....	مسعود عربشاهی
۱۱۲	.....	نتیجه‌گیری
۱۱۵	.....	گزارش کار عملی
۱۱۷	.....	فهرست منابع
۱۱۹	.....	فهرست تصاویر
۱۲۱	.....	Abstract

## مقدمه:

تاریخ هنر معاصر و جنبش های هنری که در بستر آن نهفته است، ریشه در تمدن هزاران ساله این سرزمین و دیگر ملل دارد. که پرداختن بدان سعی زیادی را طلب می نماید. لذا با تأکید بر این مطلب کلی، اعتقاد دارم تا حضور مکتوبات مدون، کامل و کلی در رابطه با پدیده های هنری در دسترس پژوهشگران نباشد و تا وقتی که به تاریخ و هنر معاصر سرزمین مان دسترسی کامل و مدون نداشته باشیم، پرداختن به کلیات، امری عبث و حرکتی نامطلوب است. واتخاذ نوعی نگرش خاص و نداشتن زمینه های پژوهش مناسب حصول نظر درست اتفاق نخواهد افتاد.

امید است محافل علمی، منتظر نباشند تا فردی بیگانه دوباره، همانگونه که در تاریخ، فرهنگ و هنر ایران باستان و دوره اسلامی را نوشتند، پیدا شود و قلمش را در تاریخ معاصر بکار گیرد.

شاید عده ای بر این عقیده باشند، که بررسی جنبش های هنری معاصر که به نوعی تاریخ و هنر جامعه را در بر می گیرد، فقط از عهده شخص و یا استاد خاصی بر خواهد آمد و دیگران حق قلم فرسایی راجع به آن را ندارند. ولی به اعتقاد بنده،

بہتر آن است کہ بستری عظیم و گسترده درخصوص نوشتار فراہم آوریم و شروع بہ نوشتن املائی کنیم کہ می دانیم چون املاء نوشته می شود، پس غلط ہم دارد و اگر نوشته نمی شد، ہیچ گونه غلطی ہم نداشت. لذا، در این پروژہ سعی کردہ ام، ہرچند اندک، برای بسیاری از سوالات خود جوابی بیابم و خط مشی خود را نسبت بہ آیندہ تا حدودی ترسیم نمایم.

اینکہ، ہنر متعہد و اصیل چیست؟ جایگاہ سنت کجاست؟ و در مقابل جامعہ چہ مسولیتی داشتہ و دارد؟ حکام چہ جایگاہی در ہنر معاصر سرزمین مان داشتہ اند؟ ہمہ و ہمہ سوالاتی ہستند کہ در این پروژہ، سعی در پاسخ بہ آنہا دارم.

در تکمیل مطالب یادشدہ، لازم می دانم از جناب استاد مہدی حسینی، کہ سعی وافر خود را در تربیت ہنرمندان مبذول داشتہ اند و ہمیشہ با شکیبایی با بندہ برخورد نمودند و راهنمایی پروژہ تئوری بندہ را پذیرفتند، تقدیر و سپاس گذاری نمایم؛ و همچنین از جناب دکتر مرانی کہ راهنمایی پروژہ عملی بندہ بعہدہ ایشان بود نیز تشکر می نمایم، و نیز از جناب استاد چلیپا، استاد مشاور ام حدود دو سال پیش در کلاس ایشان ایدہ هایی ناب بہ ذہنم خطور کرد، نیز سپاسگذار می باشم. و در پایان از ہمہ دست اندرکاران دانشکدہ ہنر دانشگاه شاہد سپاس و قدر دانی خود را بعمل می آورم.

## فصل اول: معنای هنر

### بخش اول: هنر متعهد

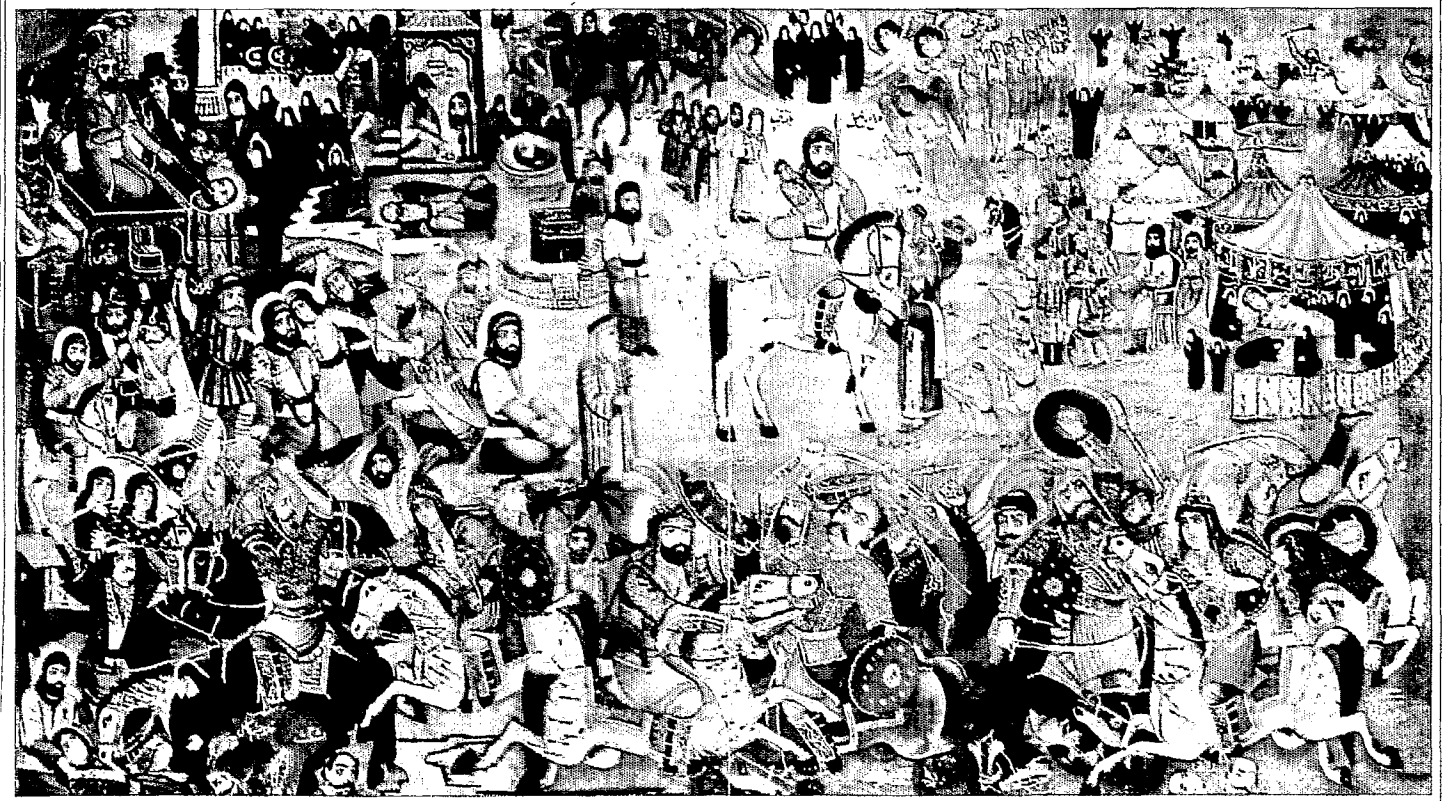
نقاشی بطور کلی، و نقاشی ایرانی بطور خاص با تمایلات انتزاعی و تزئینی اش، بسیار کمتر از برخی هنرهای دیگر بیانگر عقاید و آرمانها است. با این حال، حتی در نقاشی نیز با نگاهی گذرا بر روح حاکم می توان گرایش رایج را بطور کلی تشخیص داد. به عقیده بعضی ها، بخش عمده نقاشی امروز ایران، غیر متعهد است. با توجه به این نکته که «تعهد» در چه قالب و شکلی می تواند عنوان شود؛ شاید اگر از گروهی از منتقدان که بخشی از نقاشی را غیر متعهد می دانند نظرخواهی شود و مخاطبان آنان را نیز مورد سؤال قرار دهیم، منتقدان خود را سرزنش و محکوم به غیر متعهد بودن نمایند؛ ولی مطلب اساسی شناخت اثر و نفس نقاشی معاصر است و در هر سبک و سیاقی که هست، می بایست مورد مطالعه قرار گیرد. ولی عامل اساسی در شناخت نقاشی و بینش زیبایی شناسانه مدرن و امروزی تغییر و تفکیک بعضی از رسالت ها است. که در گذشته به عنوان پیکره تنومند و بنیانی هنر به کار می رفت. تا جایی که در سیر تاریخ و تکامل علم و هنر بشریت همچنان در تکمیل خود کوشیده و بعضی از رسالت هایی که به دوش می کشید را یا بر زمین گذاشت و یا به پدیده جدید که خلق می شد، محول کرد. در زمینه

تصویر ، صورتگری و نقاشی که در گذشته همه آنها را در وادی نقاشی منحصر می ساختند، مهمترین عامل روایتگری. بود که نه فقط در نقاشی ایران، بلکه از نقاشی غار گرفته تا نقاشی مصر باستان، یونانی، رومی و دوران مسیحیت چنین می باشد. توده مردم نیازمند به آموختن بودند و قدرتمندان ، شاهان و روحانیان نیز، هر چه بیشتر سودای سواد آموختن را داشتند و در عین حال، نیاز انتقال آموخته ها، مکتوبات ،روایات ، حماسه ها و ثبت آنها همراه با ذوق و سلیقه درخور، همچنان دغدغه این افراد بود. و با چنین خواستی هنر در تاریخ بشر شکل گرفت، و از آن نمونه کتب مقدس ، حماسی و ... در سراسر جهان در ادوار تاریخ نقاشی را در درون خود جای داد، و دیوارهای کوچک و بزرگ روایت نوع بشر را به نسل های بعدی انتقال دادند؛ ولی در تاریخ معاصر با کنج کاوی هایی که انسان از خود نشان داد، همه چیز مورد تغییر و دگرگونی قرار گرفت و نقاشی و هنر نیز از این قاعده مستثنا نبود. البته تاریخ هنر معاصر در ایران دارای نمونه هایی از نقاشی است، که بعضی با بیان تصویرهای نو و روایتگری کهن و بعضی با برخورد کاملاً جدید، کم کم در سیر تفکیک هنر نقاشی از گذشته به حال بوده اند. نقاشی قهوه خانه ای با آن شور و تاب روایتگری و نگاهی تازه به تصویر و نو آوری هایی که در انقلاب هنری ایران شکل داد، هنر را به میان توده مردم دعوت نمود (شکل شماره ۱-۵)

ولی مکتب سقاخانه تا حد زیادی فقط به روح مطلب پرداخته و آن را با تصویری

جدید ارائه داد که دیگر هرگز روایتگری در آن شکل عینی و آشکار نداشت. ولی حس ناب و سرشار همچنان از آن به مشام می رسید. گویی از پرگویی دست کشیده و روحی سیال و قابل درک در آن جریان داشت. کلمات خلاصه شدند و به کوتاهترین واژه ها می توان در این آثار بسنده نمود. عشق، آرزو، غم، شادی، نفرت، شعر و ... کهن الگوها، در طی تاریخ پروسه خود را طی نموده و امروز به اسطوره هایی بدل شده اند که هر لحظه قابلیت دوباره شکل گرفتن را دارند. و جالب اینکه، همه مردم جهان در آنها تشریک مساعی داشته و دارند. تجزیه و تکامل در سیر تاریخ امری بود که خود بخود شکل می گرفت و خود را کامل می نمود. و هنر و هنرمند نیز در هر عصری بگونه ای متفاوت عمل می کردند. ارنست گامبریچ در این رابطه می گوید:

« در واقع چیزی به عنوان هنر مطلق وجود ندارد، فقط هنرمندان وجود دارند. هنرمندان (یا به مفهوم اخص نقاشان) زمانی، کسانی بودند که کلوخه ای رنگین از زمین بر می گرفتند و شکل گاو میش و دیگر حیوانات را بر دیوار غارها رسم می کردند. در روزگار ما نقاشان رنگ هایشان را حاضر و آماده می خردند و پوسترهای تبلیغاتی طراحی می کنند؛ و در این فاصله بلند تاریخی چه اتفاقات بزرگ و کوچکی که نیافتاده است. ایرادی ندارد که همه این فعالیت ها را هنر بنامیم مشروط



نقاشی قهوه‌خانه

اثر قوللر آغاسی

ابعاد ۲۴۱×۱۳۰

بر آنکه در نظر داشته باشیم واژه هنر در زمانها و مکانهای مختلف با معانی و مصادیق بسیار متفاوتی به کار رفته است و نیز از یاد نبریم که

هنر به معنای مطلق وجود ندارد.» (ارنست گامبریج، ۱۳۷۹، ص ۲)

در تاریخ معاصر هنرمندان، در دنیایی می زیستند که هر لحظه با پدیده ای جدید روبرو شده اند و از همه مهتر این مطلب، که این پدیده ها همه از جنس خودی نبودند و ساختاری متمایز با ساختار شخصیتی و هویتی هنرمند داشتند؛ لذا وظیفه هنرمند بسیار خطیرتر از دوران گذشته می نمود. و هنرمند علاوه بر شناخت فرهنگ خودی، مجبور به شناخت مصادیق وارداتی نیز بود. برای پیدا کردن چنین هویتی و ارائه اثری در خور شأن جامعه و نمود در آینده، تجربیات زیادی صورت گرفت، و هنرمندانی به دنیای امروز معرفی شدند که جایگاهی مملو از تعهد و اصالت روز و تأثیر گذار در آینده داشتند. گویی سرشاخه هایی بودند که به شاخه ای تنومند تبدیل گشتند و از این شاخه، شاخه های آینده رستن گرفتند. از این میان می توان به سهراب سپهری اشاره کرد، که همانند نقاشان کهن در کنار شعر و ادبیات بالیدن گرفت؛ اما با چشمانی که آنها را شسته بود و دیگر گونه می دید. در میان نقاشان معاصر سهراب، هنرمندیست که اگر نیاز به شاخص تعهد باشد، وی نمونه بارزیست که به تنهایی بار مکتبی را بدوش می کشید که متأسفانه کمتر از آن سخن به میان آمده است.



« درجایی میان دل‌بستگی سعیدی یا صدر به هنر عادی از هرگونه محتوای اجتماعی و خروش تهدید آمیز آکنده از درد و دلهره محصص، اکثریت نقاشانی قرار دارند که آثارشان حال و هوای زمانه یا طرز فکر جمع خاص آنها را ثبت می‌کند و تفسیر نقاشی‌های باز نمودی یا نیمه انتزاعی سهراب سپهری را جایجا در شعر باصفای او می‌یابیم. او در نقاشیها و شعرهایش به چیزهای ساده آرام و زیبا دل‌بستگی دارد، او هنرمند صلح است.» (تصویر ۲-۷) (ریچارد اتینگ هاوزن، ص ۳۷۴)



سہراب سپہری  
طبیعت  
رنگ روغن روی بوم  
ابعاد ۵۱×۴۱/۵

## بخش دوم: هنر اصیل

هنر مقوله پیچیده و حساسی است. در صورتی که بخواهیم آن را پاس بداریم، تا جایی که بشود باید آنرا بشناسیم که زحمت اساسی و پرتاقتی را طلب می کند؛ در غیراین صورت به بیراهه رفته و سنت نادرستی را برجای خواهیم گذاشت. چرا که عمل امروز هنرمند، سنت فردای اوست و جامعه از این سنت میرا نخواهد شد. درست یا نادرست گریبانگیر آینده است، و هنرمند قادر نخواهد بود تا ندانم کاریهای خود را به گردن دیگران انداخته و جایگاه خود را تغییر دهد. این گونه است عمل بسیاری از تصویرگرانی که امروزه اعتقاد بدان دارند که حاصل کارشان اثری اصیل و ایرانی است؛ حال آنکه شاید اصالت را در جایگاه سنت قرار داده اند، و عده ای هستند که اعتقادات فردی یا سیاسی را در هنر اصیل معنی می کنند. حال آنکه، بعقیده من اصالت کلمه است که شاخصه های متفاوتی را باید در خود جای دهد، و این شاخصه ها از سه زمان گذشته، حال و آینده تهی نمی باشند. زمان گذشته در واقع سنت ما را شکل می دهد که در هر صورت رقم خورده دست انسان جایز الخطاست. لذا، می بایست سنت های نادرست را از سنت های درست و صاعب تفکیک نمود. و در کاربرد، نسبت مبنا را بر سنت درست و

پسندیده قرار داد. زمان حال، ماحصل گذشته و تمامی مظاهر زندگی امروزی می باشد و دربرخورد با آن می بایست با چشمی باز عمل نمود، و بهترین ها را برگزید. و زمان آینده، که ما از آن بی خبر بوده و از طول و عرض آن ناآگاه می باشیم، به همین دلیل هیچ تاریخی در مورد آینده نگاشته نشده است، و ما می بایست فقط نگاه خود را به آینده معطوف نماییم، و با تیزبینی و ذکاوت هر لحظه در پی مهار آن به سر بریم. زمان هایی که گفته شد هر سه در اصل زمان هستند؛ اما جنس آنها در زمان حال متفاوت می باشد. ولی چیزی که از اراده انسانی جداست و کسی قادر به دست بردن در آن نیست، این مطلب است که هر سه زمان متعلق به گذشته هستند، یعنی اعمال ما در حال و آینده سنت آینده دور ما را تشکیل خواهند داد. ماحصل طویل کلام در پیدایش معنی و مفهومی برای هنر اصیل عبارتست از این مطلب که هنری اصیل خواهد بود که سنت در آن وجود داشته باشد، ضمن آنکه جوهر و اصالت انسان امروزی در آن دیده شود و نگاهی نیز به آینده داشته و از دریچه ای با چشمانی باز به بیرون پنجره حال نظاره گر باشد. لذا، لازم نیست داعیه ی محافظت از فرهنگ گذشته را، به جای بدل فرهنگ امروز آلم نماییم و هویت کاذب و غیر واقعی برای هنر و فرهنگ امروزی بسازیم. همانطور که آیدین آغداشلو می گوید: